

**جهت تهیه این کتاب می‌توانید با شماره
تلفن‌های ذیل تماس حاصل نمایید.**

۰۲۵-۳۷۷۴۹۲۷۴

۰۹۱۲۶۵۲۵۰۷۰

**همچنین می‌توانید در شبکه‌های
اجتماعی ایتا و تلگرام با شماره فوق
سفارش خود را ثبت فرمایید.**

■ کانال ایتا: [nashrehoghoghepoya](#)

■ کانال تلگرام: [hoghoghepoyapub](#)

■ کانال پیام رسان بله: [pooya_law](#)

■ کانال پیام رسان سروش: [pooyalaw](#)

■ فروشگاه اینترنتی: [www.hpbook.ir](#)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دستار دادگاه حقوقی

جلد پنجم

عدم استماع

دکتر عزت الله امانی شلمزاری

(عضو معاون دیوان عالی کشور)

دکتر یوسف یعقوبی محمودآبادی

(رئیس شعبه ۱۵ دادگاه تجدید نظر استان تهران)

دکتر سعید عطا قیصری

(رئیس شعبه ۱۵ دادگاه تجدید نظر استان تهران)

مجید عطایی جنتی

(رئیس شعبه دادگاه عمومی حقوقی)

علی اکبر ملا احمدی شورکی

(قاضی دادگستری، مدرس دانشگاه)

نشر حقوق پویا

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۴
۱. عدم استماع اثبات مالکیت در دعاوی غیر منقول.....	۱۶
نمونه رأی اول.....	۱۶
نمونه رأی دوم.....	۱۶
نمونه رأی سوم.....	۱۷
۲. عدم استماع اعتراض ثالث اجرایی.....	۳۷
۳. عدم استماع قرارداد پیش فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹.....	۴۶
۴. عدم استماع تأیید هبه منوط به اثبات وقوع عقد هبه.....	۵۰
۵. عدم استماع تخلیه عین مستاجر به جهت احداث بنای جدید.....	۵۴
۶. عدم استماع تخلیه خانه سازمانی دولتی.....	۶۰
۷. عدم استماع تقسیم ترکه گواهی حصر وراثت.....	۶۲
۸. عدم استماع عدم طرف دعوی قرار دادن کلیه خواندگان.....	۶۹
۹. عدم استماع محجور بودن خواهان.....	۸۳
۱۰. عدم استماع الحاق خواسته (عدم صدق افزایش خواسته).....	۸۵
۱۱. عدم استماع الزام به تنظیم سند رسمی اجاره (غیر منقول).....	۸۸

۱۲. عدم استماع اعسار (عدم ارائه صورت کلیه اموال) ۱۰۲

۱۳. عدم استماع خواندگان قرارداد ۱۰۷

۱۴. عدم استماع ابطال عملیات اجرایی ۱۱۲

نمونه رأی اول ۱۱۲

نمونه رأی دوم ۱۱۵

۱۵. عدم استماع دعوای ابطال چک ۱۲۲

۱۶. عدم استماع ابطال سند مقدمه بطلان معامله ۱۲۷

۱۷. عدم استماع ابطال سند مقدمه ابطال عملیات ثبتی ۱۳۱

۱۸. عدم استماع ابطال قسمتی از قرارداد بانکی ۱۳۸

۱۹. عدم استماع ابطال مزایده شعبه دیگر ۱۴۳

۲۰. عدم استماع ابطال معامله ۱۴۷

۲۱. عدم استماع اثبات نسب ۱۵۳

۲۲. عدم استماع اثبات وقوع عقد بیع ۱۵۵

۲۳. عدم استماع اجرت المثل ۱۶۳

۲۴. عدم استماع اخذ آخرین آدرس خانواده ۱۶۶

۲۵. عدم استماع اصلاح تاریخ فوت ۱۶۷

۲۶. عدم استماع اصلاح خوانده ۱۶۹

۲۷. عدم استماع اعاده دادرسی (عدم صحیح بودن طرح دعوای اصلی) ۱۷۱

۲۸. عدم استماع قرار توقیف عملیات اجرایی ۱۷۴

۲۹. عدم استماع اعتراض ثالث اجرایی (دادگاه مجری نیابت یا معطی نیابت) ۱۷۵

۳۰. عدم استماع اعتراض ثالث حکمی (دادگاه صادر کننده حکم قطعی) ۱۸۴

۳۱. عدم استماع اعتراض ثالث همسویی (لازم بودن طرح دعوی متناسب دیگر) .. ۱۸۶

۳۲. عدم استماع اعسار از اجراییه ثبت ۱۹۰

۳۳. عدم استماع الحاق خواسته (افزایش خواسته) ۱۹۳

نمونه رأی اول ۱۹۳

نمونه رأی دوم ۱۹۶

۳۴. عدم استماع دعوی افزایش مهریه ۲۰۱

۳۵. عدم استماع الزام به تنظیم سند (عدم ذکر تمام ایادی) ۲۰۸

۳۶. عدم استماع الزام به تنظیم سند عدم مالکیت خوانده ۲۱۶

۳۷. عدم استماع تقسیم ترکه (اختلاف اصحاب دعوی در مالیکت متوفی) ۲۱۸

۳۸. عدم استماع الزام به انجام تعهد (موضوع ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی) ۲۳۱

۳۹. عدم استماع اثبات تصدیق خسارت در دیوان عدالت اداری ۲۳۹

۴۰. عدم استماع ابطال سند مقدمه بطلان معامله ۲۴۰

۴۱. عدم استماع تأیید فسخ (دعوی بطلان صحیح می باشد) ۲۴۲

۴۲. عدم استماع همزمانی دعوی تحویل مبیع و تنظیم سند ۲۴۵

۴۳. عدم استماع تحویل مبیع (ملک سابقه ثبتی دارد) ۲۵۱

۴۴. عدم استماع تخلیه موضوع قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶ ۲۵۳

۴۵. عدم استماع تخلیه موضوع ماده ۱۵ قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶ ۲۵۸

۴۶. عدم استماع تخلیه (دادخواست فسخ قرارداد صحیح می باشد) ۲۶۰

۴۷. عدم استماع تقسیم ترکه (عدم ذکر کلیه وراث) ۲۶۲

۴۸. عدم استماع به علت عدم طرح دعوای الزام به تفکیک عقد مفاصاحساب و عقد پایان کار ۲۶۶

۴۹. عدم استماع دعوای تنفیذ صلح نامه ۲۶۹

۵۰. عدم استماع صدور حکم حضانت به دلیل عدم ذکر خواسته لغو حضانت ۲۷۲

۵۱. عدم استماع دعوای مطالبه خسارت از اداره دولتی (لازمه تصدیق خسارت از دیوان عدالت اداری) ۲۷۴

۵۲. عدم استماع مطالبه اجرت المثل به دلیل عدم مالکیت خواهان (ماده ۲۲ قانون ثبت) ۲۷۶

۵۳. عدم استماع دعوای خلع ید (دعوای تخلیه صحیح می باشد) ۲۸۱

۵۴. عدم استماع خوانده تسهیل کننده ۲۸۸

۵۵. عدم استماع محجور بودن خوانده ۲۹۰

۵۶. عدم استماع منصرف بودن رأی داور از موضوع بند ۶ ماده ۸۴ ۲۹۴

۵۷. عدم استماع دو بار دادخواست در یک شعبه به صورت همزمان ۲۹۷

۵۸. عدم استماع رجوع به داوری ۲۹۸

۵۹. عدم استماع شرط فاسخ ۳۰۰

۶۰. عدم استماع شرکت منحل شده و عدم طرح دعوی به طرفیت مدیریت تسویه ۳۰۴

۶۱. عدم استماع طرح همزمان دعوای مزاحمت و ممانعت ۳۰۷

۶۲. عدم استماع وکلات در طلاق ۳۱۰

نمونه رأی اول ۳۱۰

نمونه رأی دوم ۳۱۲

۶۳. عدم استماع عدم تقدیم دادخواست ۳۱۳

۶۴. عدم استماع عدم ضمیمه کردن گواهی حصر وراثت ۳۱۵

۶۵. عدم استماع مطالبه ثمن باب غصب (موضوع ۳۱۴ قانون آیین مدنی) ۳۱۷

۶۶. عدم استماع مطالبه وجه به نرخ روز از شهرداری به علت قرار گرفتن ملک در طرح فضای سبز ۳۱۹

۶۷. عدم استماع دعوای الزام به تنظیم سند به علت در رهن بودن ملک ۳۲۱

۶۸. عدم استماع فوت اصحاب دعوی قبل از تقدیم دادخواست ۳۲۴

۶۹. عدم استماع عدم ذکر کلیه اصحاب دعوی در عوای تخلیه (موضوع قانون روابط موجر و مستاجر ۱۳۵۶) ۳۲۴

۷۰. عدم استماع دعوای الزام به تنظیم سند به علت عدم ارائه گواهی حصر وراثت ۳۲۶

۷۱. عدم استماع موضوع ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی مدنی ۳۲۸

نمونه رأی اول ۳۲۸

نمونه رأی دوم ۳۳۰

۷۲. عدم استماع موضوع ماده ۲۷۰ قانون تجارت ۳۳۲

۷۳. عدم استماع موضوع ماده ۳۵۵ قانون مدنی ۳۳۶

۷۴. عدم استماع مطالبه ارث از ترکه ۳۳۸

۷۵. عدم استماع مطالبه ثمن معامله نه استرداد ثمن ۳۴۰

۷۶. عدم استماع موت فرضی ۳۴۲

۷۷. عدم استماع و خواهی از قرار ۳۴۴

۷۸. عدم استماع دعوی الزام به تنظیم سند به علت وجود مانع حقوقی، قانونی و مادی ۳۴۵

۷۹. عدم استماع الزام به تنظیم سند به علت وجود وکالت خوانده به خواهان ۳۵۱

۸۰. قرار توقیف مدیر تصفیه ۳۵۵

۸۱. عدم استماع اعتراض ثالث اجرایی عدم توقیف مال ۳۵۶

۸۲. عدم استماع اعتراض ثالث اجرایی توسط وراث ۳۵۷

۸۳. عدم استماع حضانت فرزند بالغ ۳۵۷

۸۴. عدم استماع مطالبه وجه چک تضمینی ۳۵۷

۸۵. عدم استماع اثبات مالکیت نسبت به متعلقات بنا ۳۵۸

۸۶. عدم استماع درخواست خلع ید نسبت به شریک ملک مشاع ۳۵۸

۸۷. عدم استماع استرداد وجه واریزی در یک رابطه حقوقی ۳۶۱

۸۸. عدم استماع شرط مطالبه مهریه پس از رجوع به مابذل ۳۶۱

۸۹. عدم استماع مطالبه خسارت و اجرت المثل به طرفین مالک رسمی ملک ۳۶۲

۹۰. عدم استماع ممانعت از خروج فرزند از کشور ۳۶۲

۹۱. عدم استماع تنفیذ سند رسمی ۳۶۳

۹۲. عدم استماع انتقال واحدها توسط سازنده در قرارداد مشارکت ۳۶۳

۹۳. عدم استماع تجدیدنظر خواهی در دعوی مطالبه اجور معوقه ۳۶۴

۹۴. عدم استماع تنفیذ صلح نامه عادی ۳۶۴

۹۵. عدم استماع خلع ید از املاک در جریان ثبت ۳۶۴

۹۶. عدم استماع ابطال وکالت نامه پس از انجام مفاد وکالت ۳۶۵

۹۷. عدم استماع دعوای ابطال رای داور به طرفیت داور صادرکننده رای ۳۶۵

۹۸. عدم استماع الزام اداره دولتی به اجرای رای مرجع شبه قضایی ۳۶۶

۹۹. عدم استماع ابطال سند رسمی به دلیل حجر ادواری ۳۶۶

۱۰۰. عدم استماع دعوای مطالبه قیمت زمین از دستگاه‌های اجرایی در فرض تعدد خواندگان ۳۶۷

۱۰۱. عدم استماع الزام به تنظیم سند رسمی پیش از اخذ صورت مجلس تفکیکی و فک رهن ۳۶۷

۱۰۲. عدم استماع استرداد هدایای نامزدی ۳۶۸

۱۰۳. عدم استماع دعوای اثبات وقوع بیع ۳۶۸

۱۰۴. عدم استماع صدور شناسنامه اشخاص متولد از والدین خارجی ۳۶۹

۱۰۵. عدم استماع مطالبه اجرت المثل غیرمنقول پیش از تنظیم سند رسمی ۳۷۶

۱۰۶. عدم استماع ابطال شناسنامه به جهت تعلق آن به دیگری ۳۷۷

۱۰۷. عدم استماع مطالبه وجه سفته بدون قید موعد آن ۳۷۷

۱۰۸. عدم استماع اثبات شراکت نامه عادی ۳۷۸

۱۰۹. عدم استماع ادعای فروشنده به توقیف قضایی ملک جهت بطلان معامله ۳۷۸

۱۱۰. عدم استماع دعوای بطلان عقد پس از اعلام فسخ آن ۳۷۸

۱۱۱. عدم استماع دعوای ابطال سند رسمی ملک در رهن ۳۷۹

۱۱۲. عدم استماع ادعای اعسار از سوی سازمانهای عمومی غیر دولتی ۳۷۹

۱۱۳. عدم استماع خواندگان ملی اعلام شدن زمین ۳۸۰

۱۱۴. عدم استماع مطالبه دیه از صندوق خسارتهای بدنی ۳۸۰

۱۱۵. عدم استماع ادعای اعسار صراف ۳۸۱

۱۱۶. عدم استماع تجدیدنظرخواهی از رای صادره در دعوای تقابل ۳۸۱

۱۱۷. عدم استماع اعتراض ثالث به دادنامه غیابی غیر قطعی ۳۸۲

۱۱۸. عدم استماع ظهرنویسی چک توسط نماینده شخص حقوقی بنام خود ۳۸۲

۱۱۹. عدم استماع مطالبه اصل بدهی در فرض عدم وصول چک ۳۸۳

۱۲۰. عدم استماع مطالبه وجه چک دارای اجراییه ثبتی از دادگاه ۳۸۴

۱۲۱. عدم استماع عدم توافق تمامی مالکان آپارتمان جهت بازسازی ۳۸۴

۱۲۲. عدم استماع تقاضای ابطال رای هیات حل اختلاف اداره کار توسط واحدهای دولتی ۳۸۵

۱۲۳. عدم استماع شرط ابطال سند موضوع ماده ۱۴۸ قانون ثبت ۳۸۶

۱۲۴. عدم استماع دعوای تنفیذ معامله ۳۸۶

۱۲۵. عدم استماع تعهد موضوع قراردادی که محدود به زمان معین است ۳۸۷

۱۲۶. عدم استماع اقامه دعوای نفی ولد خارج از مهلت قانونی ۳۸۷

۱۲۷. عدم استماع درخواست ابطال عملیات ثبتی پس از صدور سند مالکیت ۳۸۸

۱۲۸. عدم استماع مسئولیت تضامنی در امور غیر تجاری ۳۸۸

۱۲۹. عدم استماع خواننده دعوای مطالبه دین متوفی ۳۸۹

۱۳۰. عدم استماع در خواست ابطال سند رسمی موخر بر بیع عادی..... ۳۹۰

۱۳۱. عدم استماع در خواست ثبت واقعه طلاق در صورت عدم ثبت نکاح ۳۹۰

۱۳۲. عدم استماع الزام به تنظیم سند رسمی ملک مرهونه..... ۳۹۱

۱۳۳. عدم استماع خوانده دعوای اثبات نسب ۳۹۱

۱۳۴. عدم استماع الزام به تنظیم سند رسمی ملک مرهونه..... ۳۹۲

۱۳۵. عدم استماع مطالبه ثمن با جلب نظر کارشناس ۳۹۲

۱۳۶. عدم استماع طرفین دعوای حجر متوفی..... ۳۹۳

۱۳۷. عدم استماع دعوای تنظیم سند رسمی قبل از فک رهن..... ۳۹۳

۱۳۸. عدم استماع تجویز انتقال منافع لواحق مورد اجاره ۳۹۴

۱۳۹. عدم استماع دعوای خلع ید در فرض تملک ملک توسط شهرداری ۳۹۴

۱۴۰. عدم استماع شرط طرح دعوای خلع ید..... ۳۹۵

۱۴۱. عدم استماع مطالبه حق نمایندگی توسط نمایندگان حقوقی ۳۹۵

۱۴۲. عدم استماع مطالبه همزمان چک در دادگاه و اجرای ثبت ۴۰۳

۱۴۳. عدم استماع در خواست اعلام انفساخ قرارداد به واسطه عدم پرداخت چک
جایگزین ۴۰۴

۱۴۴. عدم استماع استناد به شهادت شهود در مقابل چک ۴۰۵

۱۴۵. عدم استماع در خواست ابطال چک بانکی ۴۰۵

۱۴۶. عدم استماع خط زدن عبارت به حواله کرد در متن چک ۴۰۶

۱۴۷. عدم استماع مطالبه وجه چک مفقود ۴۰۸

۱۴۸. عدم استماع مطالبه وجه چک صادره بابت حسن انجام کار ۴۰۹

۱۴۹. عدم استماع خواننده دعوای الزام به تنظیم سند رسمی ۴۰۹

۱۵۰. عدم استماع الزام به تنظیم سند رسمی عرصه آپارتمان ۴۱۰

۱۵۱. عدم استماع دعوای خلع ید در فرض تملک ملک توسط شهرداری ۴۱۰

۱۵۲. عدم استماع شرط الزام به تحویل مبیع و مطالبه اجرت المثل ۴۱۰

۱۵۳. عدم استماع مصادیق افزایش خواسته ۴۱۱

۱۵۴. عدم استماع خوانندگان دعوای تخلیه به سبب انتقال منافع مورد اجاره به غیر ۴۱۱

۱۵۵. عدم استماع خوانندگان دعوای اعتراض ثالث اجرایی ۴۱۱

۱۵۶. عدم استماع تعیین میزان مسئولیت خواننده در فرض تعدد خوانندگان ۴۱۲

۱۵۷. عدم استماع درخواست افزایش خواسته توسط وارد ثالث ۴۱۲

۱۵۸. عدم استماع افزایش خواسته در دعاوی غیر مالی ۴۱۳

۱۵۹. عدم استماع خواننده دعوای الزام به تنظیم سند رسمی سرقفلی ۴۱۴

۱۶۰. عدم استماع شرط پذیرش دعوای تحویل آپارتمان ۴۱۴

۱۶۱. عدم استماع دعوای استرداد چک با وجود صدور اجراییه ثبتی ۴۱۵

۱۶۲. عدم استماع دعوای ابطال اجراییه ثبتی ۴۱۵

۱۶۳. عدم استماع دعوای اثبات وقوع بیع عادی ۴۱۶

۱۶۴. عدم استماع انتقال واحدها توسط سازنده در قرارداد مشارکت در ساخت ۴۱۶

۱۶۵. عدم استماع دعوای اثبات وقوع بیع ۴۱۷

۱۶۶. عدم استماع مطالبه خسارت به دلیل نقص در اجرای قرارداد ۴۱۷

۴۱۸..... ۱۶۷. عدم استماع الزام زوج به بذل مدت در نکاح موقت

۴۱۹..... ۱۶۸. عدم استماع دعوای ممانعت از خروج فرزند از کشور

۴۱۹..... ۱۶۹. عدم استماع خواهان دعوای عزل قیم

۴۲۰..... ۱۷۰. عدم استماع دعوای ابطال عملیات اجرایی

۴۲۰..... ۱۷۱. عدم استماع دعوای ابطال سند مالکیت

۴۲۱..... ۱۷۲. عدم استماع اجرای حکم در خصوص تحویل مبیع در اموال مشاعی

۴۲۲..... ۱۷۳. عدم استماع دعوای الزام به تحویل مبیع

نظر اقلیت

سوال دوم: برخی از همکاران محترم معتقد بودند دعوی فسخ مطرح شده توسط برخی از وراث موجر فاقد هرگونه منع قانونی است و ایرادی بر آن وارد نیست. مبانی نظریه اقلیت: بسیط بودن حق فسخ، مانع اعمال حق مذکور، توسط برخی از ورثه که خواستار فسخ قرارداد اجاره هستند، نمی باشد، خصوصاً که در برخی از موارد ممکن است عدم همراهی سایر ورثه، موجب ورود ضرر به آنها گردد که در اینجا قاعده لا ضرر هم به کمک می آید و اعمال حق توسط آنها را تقویت می کند.

۶. عدم استماع تخلیه خانه سازمانی دولتی

گردشکار: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی کردستان دادخواستی به خواسته ۱- صدور حکم تخلیه به انضمام خسارت دادرسی ۲- اجرت المثل ایام تصرف از تاریخ ۲۳/۱۲/۱۳۹۶ تا زمان اجرای حکم به انضمام خسارت دادرسی به طرفیت خواننده بهزاد خلفی مطرح نموده خواهان در ایضاح خواسته بیان نموده آقای به شماره ملی ۱۴۵۰۴۵۳۳۰۹.. فرزند از تاریخ ۲۳-۱۲-۱۳۹۶ تا این لحظه یک واحد منازل مسکونی که تحت مالکیت دانشگاه علوم پزشکی کردستان می باشد که به ایشان اجاره داده شده ولی متأسفانه وسایل نامبرده در منزل مسکونی گذاشته و قفل کرده که اقامت و استیفای منفعت نامبرده از ملک از تاریخ ۲۳-۱۲-۱۳۹۶ تاکنون غیرقانونی و نامشروع می باشد و خاطر نشان می گردد که اظهارنامه برای ایشان فرستاده شده برای تخلیه ملک ولی هیچ اقدامی صورت نگرفته لذا باتوجه به نیاز به این ملک برای استفاده پزشکان این دانشگاه از مقام عالی قضایی تقاضا مندیم که دستورات لازم را مبذول فرمایید. لذا تقاضای اجرت المثل ایام تصرف از تاریخ ۲۳/۱۲/۱۳۹۶ الی زمان اجرای حکم مورد استدعاست خواننده علیرغم ابلاغ اخطاریه و انتظار کافی در جلسه دادگاه حاضر نشد و لایحه ی دفاعیه ای نیز از ناحیه ایشان واصل نشده است دادگاه بر این بنیان ضمن اعلام ختم رسیدگی با استعانت از خداوند سبحان به شرح ذیل مبادرت به انشاء رای می نماید.

رای دادگاه

دادگاه با بررسی کلیه اوراق و محتویات پرونده مطروحه در خصوص خواسته تخلیه نظر به اینکه خواننده کارمند خواهان است و اصولاً ادارات دولتی مجاز به اجاره دادن خانه

مسکونی نمی‌باشند و اجاره خانه‌های سازمانی مسکونی تحت قانون خانه‌های سازمانی دولتی است و طبق قانون خانه‌های سازمانی به درخواست اداره دولتی تخلیه به دستور دادستان صورت می‌گیرد بنابراین دعوی مطروحه مطابق قانون مطرح نگردیده و در شرایط کنونی قابلیت استماع ندارد و این مرجع مستنداً به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوی صادر و اعلام می‌نماید. (لازم به ذکر می‌باشد در راستای ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی رسیدگی به دعوی اجرت المثل ادامه دارد) رأی صادره ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظرخواهی در محاکم محترم تجدید نظر استان کردستان می‌باشد.

نظر دکتر عزت الله امانی شلمزاری:

قرار صادره در باب عدم استماع دعوی تخلیه خانه‌های سازمانی به جهت تعیین راهکار توسط قانون گذار و درخواست سازمان یا اداره دولتی از دادستان، قابلیت اجابت را ندارد و تخلیه این گونه منازل نیاز به حکم دادگاه نداشته و با دستور دادستان قابل اجرا می‌باشد.

نظر دکتر قیصری:

خانه سازمانی در ماده ۱ قانون نحوه استفاده از خانه‌های سازمانی چنین تعریف شده است: «خانه سازمانی خانه‌ای است که از طرف وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی و یا وابسته به دولت در اختیار متصدیان مشاغل معینی در دوره تصدی آن شغل برای سکونت گذارده می‌شود.» و به موجب ماده ۵ همان قانون این خانه‌ها مشمول قوانین روابط مالک و مستاجر نمی‌باشد بلکه ترتیب تخلیه آنها در ماده ۲ به آیین نامه آن قانون ارجاع داده شده است. لازم به ذکر است مقررات راجع به خانه سازمانی نیروهای مسلح نیز تابع مقررات خاص خود هستند. چنانچه متصرف یا متصرفین پس از انقضای مدت استفاده (۵ سال و در صورت تمدید پایان مدت تمدید شده) یا در فرجه‌های مقرر در مواد ۱۲ و ۱۳ آیین نامه خانه سازمانی را تخلیه نکنند به تقاضای اداره مربوطه و به دستور دادستان یا جانشین یا نماینده او و در نقاطی که مقامات مذکور نباشند بوسیله ماموران انتظامی خانه تخلیه خواهد شد. (ماده ۱۴)

بنابراین اگر در دعوی تخلیه خواهان یکی از ادارات یا مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت بودن و خواننده یا وراثت مستخدم آن سازمان نیز به اعتبار تصدی شغلی در آن سازمان

داشته متصرف خانه یا آپارتمانی جهت سکونت بوده باشد، به جهت خروج موضوع از شمول مقررات حاکم بر روابط موجر و مستاجر و حاکمیت مقررات فوق قرار عدم استماع دعوی صادر خواهد شد.

۷. عدم استماع تقسیم ترکه گواهی حصر وراثت

به تاریخ ۱۳۹۹/۲/۲۴ در وقت فوق العاده جلسه شعبه دم دادگاه عمومی و حقوقی شهرستان سنندج به تصدی اینجانب امضاء کننده ذیل تشکیل است پرونده کلاسه فوق تحت نظر است دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می نماید

رأی دادگاه

دعوی خانم‌ها گلاله منوچهری - اکرمه منوچهری با وکالت آقای به طرفیت به خواسته مطالبه اجرت المثل اموال - تقسیم ترکه - ابطال سند (موضوع سند مالی نیست) و کیل خواهان‌ها در ایضاح خواسته بیان نموده احتراماً اینجانبان مستنداً به گواهی حصر وراثت مورخ ۲۱-۰۳-۱۳۸۶ از ورثه مرحوم هستیم که ایشان در تاریخ ۲۳-۰۱-۸۶ در اقامتگاه دائمی خویش به رحمت ایزدی رفته است. ماترک متوفی عبارتست از املاک کشاورزی و منزل مسکونی در روستای هشمیز و منزل مسکونی و مغازه هایی در شهر من از جمله: ۱. زمین های زراعتی و منزل مسکونی در روستای هشمیز ۲. مغازه کوچک در شهر به کد پستی ۶۶۱۴۷۸۶۹۷۱۳. املاک و مغازه‌ها در خیابان پیشمرگان کرد مسلمان ۳. منزل مسکونی با کد ۶۶۱۴۷۸۶۹۷۸. منزل مسکونی با کد پستی ۶۶۱۴۷۸۶۹۷۷ - یک باب مغازه به کد پستی ۶۶۱۴۷۸۶۹۷۳ و منزل مسکونی بالای این مغازه و مغازه کوچک مشرف به خیابان - یک باب مغازه و منزل مسکونی بالای آن به شماره پلاک ۶۶۱۴۷۸۶۹۷۴ - یک باب مغازه و منزل به پلاک ۶۶۱۴۷۸۶۹۷۵ - یک باب مغازه و منزل مسکونی بالای آن با کد پستی ۶۶۱۴۷۸۶۹۷۶ و سایر اموال طبق نظر کارشناس. نظر به اینکه کلیه ی اموال و دارایی های متوفی در تصرف خواندگان است و انحصار از منافع آن بهره برداری می کنند و حاضر به تقسیم ماترک برابر مقررات شرع و قانون نیستند و علی رغم ارسال اظهارنامه ۱۳۹۷/۵/۹ به احدی از خواندگان ایشان هیچ جوابی نداده است. لذا صدور

حکم به الزام خواندگان به تقسی ماترک مرحوم مطابق نظریه ی کارشناسی و مطالبه اجرت المثل ایام تصرف و در صورت عدم امکان تقسیم، صدور دستور فروش آن و تقسیم حاصل وجه بین ورثه و الزام خواندگان به تحویل قدرالسهم مورد استدعا و امتنان است. ضمناً با توجه به این که کسب اطلاع نموده ایم که خواندگان بین خود تقسیم نامه ای تنظیم نموده اند که در ید خود آن هاست و این تقسیم نامه منجر به تضییع حقوق اینجانبان گردیده است. تقضای ابطال تقسیم نامه به ضمیمه جمیع خسارات جمع تأخیر و دادرسی موورد استدعا است. از نظر این مرجع دعوی مطابق قانون مطرح نگردیده است چراکه ماهیت و ذات مشاعی بودن مالکیت در این است که سهام هر یک از شرکاء منتشر در مجموع مال است با این تصور که، همه مالکین مشاع در ذره ذره مال شریک هستند و اگر تقسیم مال مشاع از دادگاه خواسته شود، بایستی به طرفیت همه شرکاء باشد در غیر آن صورت، تقسیم مال مشاع اعم از افراز، تعدیل و رد تضرر مالکینی که طرف دعوی قرار نگرفته اند را در برخواهد داشت مؤید نظر فوق الذکر نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۱۳۵ مورخ ۱۳۶۶/۰۲/۰۸ می باشد که آماده است « دعوی تقسیم و افراز بایستی به طرفیت کلیه مالکین مشاع اقامه گردد، لیکن مطالبه مال مشاع از طرف یک یا چند تن از مالکین به نسبت سهم آنان بلاشکال است، اما تصرف هر یک از مالکین در مال مورد حکم منوط به اجازه کلیه مالکین است (ماده ۴۳ قانون اجرای احکام مدنی) که موضوع پرونده مانحن فیه مشمول صدر نظریه اداره حقوقی می باشد، فلذا مستفاد از مواد ۳۰۰، ۳۰۳ و ۳۰۴ قانون امور حسبی و ماده ۵۸۹ و ۵۹۱ و ۵۹۲ قانون مدنی، نظر به اینکه دادخواست تقسیم ترکه لزوماً باید به طرفیت ورثه طرح و در ستون خواندگان اسامی سایر ورثه قید شود و نظر به اینکه وکیل خواهانها گواهی حصر وراثت را ضم پرونده ننموده و علی رغم ابلاغ اخطاریه در این خصوص مجدداً گواهی حصر وراثت را ارائه نداده است و پذیرش دعوی به کیفیت مطروحه فعلی به لحاظ عدم لحاظ حقوق اشخاص که دعوی به طور مستقیم موثر در حقوق آنهاست برای دادگاه احراز نگردیده است و از طرفی مورد از موارد صدور اخطار رفع نقص به شرح مذکور در ماده ۵۳ قانون آئین دادرسی مدنی نمی باشد بنابراین دعوی مطروحه مطابق قانون مطرح نگردیده و در شرایط کنونی قابلیت استماع ندارد و این مرجع مستنداً به ماده ی ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوی صادر و اعلام می نماید. رأی

صادره ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظرخواهی در محاکم محترم تجدید نظر استان کردستان می‌باشد

نظر اول: دعوای تقسیم ترکه لزوماً می‌بایست به طرفیت تمامی ورثه اقامه شود. قانون گذار برای تعرفه ورثه، گواهی حصر وراثت را پیش بینی نموده که بر اساس این گواهی، اسامی وراثت قید می‌شود. حال چنانچه در زمان طرح دعوی بدین گونه عمل نشده باشد، دعوی قابلیت پذیرش را نداشته و اقتضای صدور قرار عدم استماع دعوی را دارد. چرا که مطابق ماده ۲ قانون آئین دادرسی مدنی، محاکم دادگستری صرفاً مکلف می‌باشد به دعوای که برابر مقررات اقامه شده‌اند رسیدگی نمایند. لذا قرار صادرة به نحو صحیحی صادر شده است.

دکتر عزت الله امانی شلمزاری

عنوان: اثبات وراثت از طریق غیر از گواهی حصر وراثت

پیام: ارائه گواهی انحصار وراثت تنها یکی از راه‌های ثبوت وراثت به منظور احراز سمت و نفع مدعی در دعوی است بنابراین عدم استماع دعوی به دلیل عدم ارائه گواهی حصر وراثت صحیح نیست.

شماره دادنامه قطعی: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۰۰۱۵۷۸

تاریخ دادنامه قطعی: ۱۶/۱۱/۱۳۹۲

رئیس و مستشار شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران / امی - تهرانی

نظر دکتر یعقوبی:

این رای خلاف رای دادگاه انتظامی قضات است چرا که دادگاه فوق نظر دادرس دادگاه بر انحصار طریق احراز وراثت از طریق گواهی حصر وراثت را موافق قانون و تخلف ندانسته است.

نظر دکتر قیصری:

مطابق بند ۶ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی خواهان باید ادله و وسایل از اسناد و نوشتجات و اطلاع مطلعین که برای اثبات ادعا لازم است در دادخواست ذکر نماید و به موجب ماده ۵۷ همان قانون خواهان مکلف به انضمام تصویر مصدق اسناد مستند دعوی

پیوست دادخواست است. در تعدادی از دعاوی بدون انضمام سند معینی دادگاه امکان رسیدگی به دعوی را نخواهد داشت از جمله در دعوی تقسیم ترکه خواهان برای مستند نمودن ادعا از جهت اثبات ذینفع بودن خود و نیز سهام ورثه و اشخاص ذینفع در تقسیم و مهیا کردن موجبات رسیدگی دادگاه، مکلف است اسناد معینی را در راستای بند ۶ ماده ۵۱ و ۵۷ ق.آ.د.م در دادخواست ذکر و به انضمام دادخواست تقدیم دارد. گواهی حصر وراثت، سندی است که در آن ورثه و اشخاص ذینفع در ماترک و سهام آنها را معین شده است بنابراین اگر خواهان گواهی حصر وراثت را به عنوان ادله اثباتی ذکر نکرده و رونوشت آن را پیوست دادخواست نکرده باشد دادگاه نمی تواند به باوجود آن نقص در دادخواست رسیدگی نماید و این نقص از نقایص مشمول ماده ۶۶ ق آ.د.م است و دادگاه مکلف است پرونده را با تذکر نوع نقص به دفتر دادگاه اعاده تا طی اخطاریه رفع نقص به خواهان ابلاغ شود ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تصویر مصدق گواهی حصر وراثت را به تعداد نسخ دادخواست (به صورت سند الکترونیکی از طریق دفتر خدمات قضایی) تقدیم دارد و در صورت عدم رفع نقص در فرجه قانونی مدیر دفتر یا جانشین وی قرار رد دادخواست را صادر خواهد نمود و قرار قابل اعتراض ظرف ۱۰ روز از ابلاغ در همان دادگاه است.

بنابراین پیوست نکردن تصویر گواهی حصر وراثت از موجبات صدور قرار عدم استماع دعوی توسط دادگاه نیست.

عنوان: خواننده دعوی مطالبه دین متوفی

پیام: در مطالبه طلب به طرفیت وراثت متوفی، باید نام تک تک وراث حسب گواهی انحصار وراثت در ستون خواننده ذکر شود و در صورت درج عنوان کلی وراثت مرحوم... به عنوان خواننده، دعوی مسموع نیست.

شماره دادنامه قطعی: ۹۲۰۹۹۸۰۲۲۸۸۰۰۷۶۶

تاریخ دادنامه قطعی: ۲۴/۰۳/۱۳۹۴

رئیس و مستشار شعبه ۳۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران / حمزه شریعتی-محمدعلی افشار

نظر دکتر قیصری:

با توجه به سیاق مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون امور حسبی دعوی بر میت اعم از دینی و عینی باید به طرفیت کلیه ورثه و نمایندگان قانونی آنها اقامه شود.

عنوان: درخواست تقسیم بخشی از ترکه

پیام: ماترک به مجموع اموال منقول و غیرمنقول باقی مانده از میت گفته می‌شود که تقسیم آنها همزمان باید مورد مطالبه قرار گیرد و اگر دادخواست تقسیم ترکه صرفاً درخصوص بخشی از ترکه ارائه گردد، با قرار رد دعوی مواجه می‌شود.

شماره دادنامه قطعی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۳۵۱

تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۳/۱۱/۲۵

مستشاران شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران / قیصری-حاجی حسنی

نظر دکتر یعقوبی:

رای فوق موافق قواعد شرکت و اشاعه اموال نیست زیرا مالکین مشاعی می‌توانند قسمتی از مال مشاع را بین خود تقسیم و نسبت به سایر اموال بر مشارکت باقی بمانند.

نظر دکتر قیصری:

از ماده ۳۱۶ قانون امور حسبی استنباط می‌گردد که ورثه در تقسیم ماترک نمی‌توانند تقسیم تعدادی از اموال را استثناء کنند و فقط از دادگاه درخواست تقسیم تعدادی از اموال مشاع از جمله ماترک را بخواهند چونکه ماده مذکور تعیین حصه برای هریک از ورثه از هریک از اموال در صورت قابل افراز بودن را لازم دانسته و در تعدیل یا رد نیز ارزیابی تمام اموال جزء ماترک برای معادل ساختن حصص براساس قیمت اموال ضروری است در نتیجه اگر خواهان فقط تقسیم تعدادی از اموال ماترک را خواسته باشد دعوی قابلیت استماع ندارد وانگهی بعد از صدور حکم به تقسیم ترکه متوفی، پذیرش دعوی تقسیم مابقی ترکه وی نیز وجاهت قانونی ندارد و به عبارت دیگر تقسیم کلیه اموال مشاع در تقسیم ترکه با درخواست هریک از ورثه اجباری است خصوصاً در مواردی که باید تقسیم توسط دادگاه بعمل آید(در صورت وجود محجور و غائب بین ورثه) رعایت غبطه محجور و غائب اقتضای تقسیم تمام اموال جزء ماترک است. در نتیجه ماده فوق مخصص ماده ۵۹۶ قانون مدنی است و مقررات ماده اخیر شامل تقسیم ترکه نمی‌شود.

عنوان: خواندگان در دعوی تقسیم ترکه

پیام: اگر ترکه سرقفلی مغازه ای باشد، باید در دعوی تقسیم ترکه، مالک عین مستأجره نیز در عداد خواندگان قرار گیرد و آلا قرار عدم استماع دعوی صادر می‌گردد.
 شماره دادنامه قطعی: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۰۳۳۸
 تاریخ دادنامه قطعی: ۱۶/۰۴/۱۳۹۲
 رئیس و مستشار شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران / دیوسالار - رضایی

نظر دکتر قیصری:

مطابق بند ۲ ماده ۳۰۴ قانون امور حسبی دربردارنده یکی از شرایط دعوی تقسیم ترکه است خواهان باید اسامی سایر ورثه و اشخاص دیگری که در ماترک ذینفع هستند (موصی له سهم مشاع از ماترک، کسی که سهم الارث بعضی از ورثه به وی منتقل شده است) و باید اموال بین آنها تقسیم شوند به عنوان خوانده در دادخواست قید نماید در غیر این صورت قرار عدم استماع دعوی به جهت رعایت نشدن شرایط قانونی صادر خواهد شد.

عنوان: شرط مطالبه اجرت‌المثل از سوی یکی از ورثه

پیام: ابتدا باید بین ورثه، تقسیم ترکه صورت گیرد تا دعوی مطالبه اجرت‌المثل اقامه شده از سوی یکی از وراث علیه وارث دیگر قابل استماع باشد.
 شماره دادنامه قطعی: ۹۱۰۹۹۷۰۲۶۹۵۰۰۰۹۴
 تاریخ دادنامه قطعی: ۲۳/۱۱/۱۳۹۱
 رئیس و مستشار شعبه ۵۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران / قربان وند - فهیمی گیلانی

نظر دکتر قیصری:

دعوی تقسیم ترکه از امور غیرترافعی و امور حسبه است و دعوی مطالبه اجرت‌المثل سهم مشاع از ماترک از دعوی ترافعی است و ارتباط کاملی بین آنها وجود ندارد و این دو دعوی در ضمن یک دادرسی قابل رسیدگی نیست بنابراین اگر خواهان هر دو دعوی را در یک دادخواست اقامه کرده باشد مطابق ماده ۶۵ ق آد م اقتضای امر تفکیک دو دعوی و رسیدگی جداگانه است.

استیلاء بدون اذن بر حصه مشاع سایر ورثه مطابق ماده ۳۰۸ قانون مدنی در حکم غصب

است و به جهت ضمان آور به دلالت ماده ۳۲۰ همان قانون استماع دعوی مطالبه اجرت‌المثل منوط به تقسیم می‌باشد و صدور قرار عدم استماع دعوی بخاطر بقاء اشاعه فاقد وجاهت قانونی است.

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه : شماره: ۱۲۱۰/۹۹/۷ تاریخ نظریه:

۱۳۹۹/۱۰/۶

۱- وفق قسمت اخیر ماده ۳۱۶ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ «اگر تعدیل محتاج به ضمیمه پول به اموال باشد به ضمیمه آن تعدیل می‌شود» و مطابق ماده ۳۲۵ این قانون «هر یک از ورثه پس از تقسیم، مالک مستقل سهم خود خواهد بود». بنابراین در فرض سؤال که احد از ورثه باید وجهی به ورثه دیگر بدهد، اولاً، مفروض آن است که وجه را باید هنگام تقسیم پرداخت کند و لذا پرداخت آن به اقساط یا در زمان دیگری موجب نقض غرض و مستلزم اضرار به دیگر ورثه است. ثانیاً، با عنایت به این که دعوی اعسار مستلزم طرح دعوی مطالبه دین یا حکم محکومیت به پرداخت دین است و با توجه به این که تقسیم به رد صرفاً جنبه اعلامی دارد، دعوی فرض سؤال قابلیت استماع ندارد. ۲ و ۳- اولاً، با توجه به این که تقسیم به رد صرفاً تقسیم به رد جنبه اعلامی دارد، امکان درخواست اجراییه برای بخش نقدی و یا انتقال حصه اختصاصی هر یک از ورثه وجود ندارد. ثانیاً، چنانچه یکی از ورثه که باید مبلغی را به وراث دیگر رد نماید، از این کار خودداری کند، به نظر می‌رسد ذی‌نفع باید با طرح دعوی مستقل، مبلغ مزبور را مطالبه کند.

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه شماره: ۳۲۰/۹۹/۷ : تاریخ نظریه:

۱۳۹۹/۴/۱۱

به موجب ماده ۳۰۱ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ «ولی و وصی و قیم هر وارثی که محجور باشد و امین غائب و جنین و کسی که سهم الارث بعضی از ورثه به او منتقل شده است و ...»، حق درخواست تقسیم را دارند و مطابق ماده ۳۰۹ قانون یادشده، اشخاص ذینفع می‌توانند در دادگاه حاضر شده به تراضی قراری راجع به مقدمات تقسیم یا طرز تقسیم اموال بگذارند. بنابراین در فرض سؤال که احدی از ورثه سهم الارث خود را به ثالث منتقل نموده است، درخواست تقسیم ترکه از سوی منتقل‌الیه قابلیت استماع دارد.

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه : شماره : ۲۹۱۶/۹۷/۷ تاریخ نظریه:

۱۳۹۷/۱۱/۶

در دعوی تقسیم ترکه، دادگاه اموالی را که منجزاً جزو ترکه تشخیص دهد مورد تقسیم قرار می‌دهد و چنانچه نسبت به ترکه بودن برخی از اموال اختلاف در مالکیت بین ورثه وجود داشته باشد، مثل این که خوانده مدعی شود آن را از مورث خریده است و جزو ترکه نیست با طرح دعوا، دادگاه به موضوع رسیدگی و در صورتی که منجزاً جزو ماترک تشخیص دهد، آن را نیز در تقسیم ماترک لحاظ می‌کند. بنابراین، در فرض سؤال، اموالی که در ترکه بودن آن اختلاف است قابل تقسیم نمی‌باشند و درخواست برخی از ورثه مبنی بر تقسیم برخی از اموال که در مالکیت مورث اصحاب دعوی نسبت به آن تردیدی نیست، قابل استماع است.

۸. عدم استماع عدم طرف دعوی قرار دادن کلیه خواندگان

دادگاه با امعان نظر در جمیع محتویات پرونده و مفاد اظهارات و دفاعیات متداعیین در صورتجلسه دادرسی و لوایحه تقدیمی مثبت و مضبوط در پرونده نظر به اینکه حق مورد استماع قرار گرفتن دعوی و فرصت امکان دفاع از آن و نیز فرصت تغییرات در آن با لحاظ مواد ۹۸ و ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی یک از اصول بنیادین دادرسی بوده و در راستای رعایت این اصل، صدور رای قاطع دعوی اعم از حکم یا قرار که موجب بسته شدن پرونده در شعبه می‌گردد، مستلزم تعیین وقت رسیدگی است و صدور رای قاطع از جمله قرار قاطع دعوا، بدون تعیین وقت رسیدگی که موجب سلب حق مورد استماع قرار گرفتن دعوی و فرصت و امکان دفاع از آن می‌شود - بجز در مواردی که قانون تصریح کرده همانند ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۹۲ - مخالف اصل یاد شده بوده - و این حق به اصحاب دعوی داده شد و اظهار نظر در پرونده ما نحن فیه منوط به اخذ اظهارات (خانم) عروس خوانده بوده چرا که اختلاف نظر بین طرفین در این موضوع بوده که خانم طی سند رسمی اقرار نموده که این مبلغ سی میلیون تومان پرداختی به موکلین ارتباطی به توافق نامه صورت گرفته فی مابین موکلین و خوانده آقای محمد علی روشنگر ندارد اما به نظر اینکه دادگاه وفق قاعده العقود تابعه للقصود و اینکه قصد واقعی دریافت مبلغ ۳۰ میلیون تومان از جانب خانم بابت چه موضوعی بوده است نیاز به

این می‌باشد که دعوی به طرفیت ایشان قرار گرفته باشد در حالیکه دعوی به طرفیت ایشان چه در قالب دادخواست بدوی و جلب ثالث طرح نگردیده است در حالیکه لازم است دعوی به طرفیت ایشان نیز مطرح گردد چرا که انکار و اقرار عروس خواننده در موضوع دعوی موثر می‌باشد و خواننده در یک تقسیم بندی به چهار قسم ۱- خواننده پایه (اصلی) ۲- خواننده قانونی ۳- خواننده تسهیل کننده ۴- خواننده بالقوه تقسیم می‌شود و خانم در پرونده ما نحن فیه جزو خواننده تسهیل کننده می‌باشد در نتیجه می‌بایست طرف دعوی قرار گیرد لذا دادگاه بناء به مراتب فوق و جهات اشعاری ملاحظه می‌نماید پذیرش دعوی به کیفیت مطروحه فعلی قابلیت استماع را ندارد. لذا به استناد ماده ۲ قانون آئین دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوی صادر می‌گردد قرار صادره ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر در محاکم محترم تجدید نظر استان کردستان است.

نظر دکتر عزت الله امانی شلمزاری:

قرار صادره مبنی بر عدم استماع به نظر صحیح نمی‌باشد چرا که مدیون شخص ب بوده و دعوی نیز به طرفیت وی توسط ذی نفع اقامه شده است. اینکه شخص ثالث در جریان این رد و بدل شدن دین بوده، ضرورتی به طرف دعوی قرار دادن وی نمی‌باشد و دادگاه نمی‌تواند به این استناد که آن شخص طرف دعوی قرار نگرفته از رسیدگی امتناع و قرار عدم استماع صادر نماید.

نظر دکتر قیصری:

قاعده کلی در مورد اشخاصی که باید طرف دعوی قرار بگیرند، ذینفع بودن اشخاص در موضوع خواسته و قابل تجزیه نبودن موضوع حکم نسبت به اشخاص ذینفع است. این قاعده از ماده ۲۳۳ قانون امور حسبی و جمع مواد ۳۰۸، ۳۵۹ و ۴۱۷ قانون آئین دادرسی مدنی قابل استنباط است. بنابراین در هر دعوی کلیه اشخاصی که رأی دادگاه حقوق آنها را در برمی‌گیرد و یا ماهیت حقی که موضوع رأی قرار می‌گیرد یا منشاء آن تجزیه پذیر نباشد، باید خواننده دعوی قرار گیرد. بدیهی است چنانچه در جریان دادرسی این موضوع مغفول بماند باوجود نهاد اعتراض ثالث، بنیاد رأی صادره در معرض تزلزل خواهد بود.

عنوان: خوانندگان دعوی تقسیم ترکه

پیام: دادخواست تقسیم ماترک می‌بایست به طرفیت کلیه ورثه تقدیم شود.
 شماره دادنامه قطعی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۶۰۱۰۶۱
 تاریخ دادنامه قطعی: ۲۸/۱۰/۱۳۹۳
 رئیس و مستشار شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران / فارسیجانی - سمیعی

نظر دکتر عزت الله امانی شلمزاری:

در دعوی تقسیم ماترک به لحاظ آن که کلیه وراث ذی نفع محسوب می‌شوند، عدم طرف دعوی قرار دادن هر یک از ورثه رسیدگی را به مشکل قانونی مواجه و قابلیت رسیدگی را نخواهد داشت. لذا قرار صادره به نحو صحیح صادر شده است.

عنوان: نحوه اقامه دعوی مطالبه قیمت زمین از دستگاه‌های اجرایی در فرض تعدد خوانندگان

پیام: در صورت تعدد خوانندگان در دعوی مطالبه قیمت زمین از دستگاه‌های اجرایی، خواهان مکلف است میزان مسئولیت هر کدام از خوانندگان را مشخص نماید در غیر اینصورت دعوی مسموع نیست.

شماره دادنامه قطعی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۶۹۵۰۱۰۹۸

تاریخ دادنامه قطعی: ۲۹/۰۹/۱۳۹۳

رئیس و مستشار شعبه ۵۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران / قربانوند - حسین خانی

نظر اول: قرار صادره منطبق با موازین قانونی است، زیرا که قاضی دادگاه در رسیدگی که انجام می‌دهد شخص بی طرف است. خواهان می‌بایست حدود مسئولیت هر یک از خوانندگان را به طور روشن بین نماید. چنانچه دادخواست بدین نحو تنظیم نشده باشد اقتضای صدور قرار عدم استماع را دارد.

دکتر عزت الله امانی شلمزاری

نظر دوم: رای فوق موافق قواعد مسئولیت مدنی در باب اشتراک یا اجتماع اسباب نیست. زیرا خواهان صرفاً باید شرایط مسئولیت مدنی را ثابت کند ولی تعیین میزان مسئولیت امری قضایی بوده و وظیفه دادگاه هست که میزان ضمان را مشخص کند.

نظر سوم: خواهان جز تبیین امور موضوعی و بعبارت دیگر بیان مجموعه وقایع مادی و

حقوقی که توجیه کننده محق بودن او در دعوی است و مدلل کردن تحقق آن وقایع مادی یا حقوقی با ادله اثبات دعوا، تکلیفی به تعیین میزان مسئولیت خواندگان که امری حکمی و تشخیص آن از وظایف دادرس دادگاه در فرایند رسیدگی قضایی به ادله اثباتی و انطباق با ادله اثبات حکمی است، ندارد. بنابراین اگر خواهان در دعوی خواندگان متعددی را به دادرسی فراخوانده و دعوی متوجه همه آنها باشد، عدم تعیین میزان مسئولیت آنها در دادخواست و سایر اسناد دعوی از موجبات صدور قرار عدم استماع دعوی نیست.

عنوان: خواندگان دعوای خلع ید مشاعی

پيام: در دعوای خلع ید در خصوص اموال مشاعی با توجه به آنکه خلع ید از تمام ملک صورت می گیرد، دعوی باید به طرفیت تمامی متصرفین مطرح گردد.
شماره دادنامه قطعی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۷۰۰۶۸۹
تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۳/۰۵/۲۷
مستشاران شعبه ۱۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران / یادگاری - امامی

نظر دکتر عزت الله امانی شلمزاری:

قرار صادره صحیح نمی باشد، لزوماً خواهان تکلیفی به طرف دعوی قرار دادن کلیه مالکین مشاعی ندارد، همین که دعوی را به طرفیت غاصب اقامه نموده باشد دعوی قابلیت اجابت را داشته و دادگاه مکلف می باشد به دعوای اقامه شده برابر با مقررات رسیدگی و حکم مقتضی را صادر نماید.

نظر دکتر قیصری:

اجرای حکم خلع ید مطابق ماده ۴۳ قانون اجرای احکام مدنی به جهت اینکه مالکیت مشاع هریک از شرکاء به میزان حصه در ذره ذره ملک منتشر می شود دخالت در حصه مشاع سایر مالکین مشاع است. بنابراین در دعوی خلع ید علیه هریک از مالکین مشاع یا متصرف غیر از مالکین مشاع باید کلیه مالکین مشاع طرف دعوی قرار گیرند.

عنوان: خوانندگان دعوی مطالبه حقوق زارعانه

پیام: در دعوی مطالبه حقوق زارعانه وفق قانون اصلاحات ارضی، وزارت کشاورزی نیز باید طرف دعوی قرار داده شود.

شماره دادنامه قطعی : ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۳۳۰۰۹۹۷

تاریخ دادنامه قطعی : ۱۳۹۳/۰۷/۰۲

رئیس و مستشار شعبه ۳۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران / خیری - مرادی

نظر اول: قرار صادره صحیح می باشد چرا که دادگاه پس از احراز رابطه زارعانه می تواند حقوق شخص زارع را مورد حکم قرار دهد، لذا در مطالبه حق زارعانه لزوماً می بایست مالک طرف دعوی قرار گیرد.

دکتر عزت الله امانی شلمزاری

نظر دوم: رای فوق موافق شرایط دعوی نیست چرا که دادگاه حکمی در خصوص وزارت کشاورزی صادر نمی کند و دعوی توجهی به وزارت فوق ندارد ولی طرفین می توانند آن را به دادرسی جلب کنند و یا دادگاه با استعلام از آن وزارت کشف حقیقت کند.

نظر سوم: ادارات دولتی در اموری که بر اساس جایگاه قانونی در امر اعمال حاکمیت یا تصدی گری دخالت داشته و به اقتضای وظایف قانونی در مورد حقوق اشخاص تکالیفی را عهده دار بوده اند در صورت اختلاف اشخاص در مورد آن حقوق، به اعتبار اینکه در حق موضوع دعوی ذینفع نیستند، لزومی به طرف دعوی قرار گرفتن آنها وجود ندارد و اساساً دعوی متوجه آنها نیست.

عنوان: خوانندگان دعوی مطالبه اجرت المثل ایام تصرف ترکه

پیام: در صورتی که یکی از وراث، دعوی مطالبه اجرت المثل ایام تصرف ملک داخل در ترکه را فقط علیه برخی از وراث طرح نماید، دادگاه قرار عدم استماع دعوی صادر می نماید.

شماره دادنامه قطعی : ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۵۰۰۵۵۰

تاریخ دادنامه قطعی : ۱۳۹۳/۰۴/۲۹

رئیس و مستشار شعبه ۲۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران / طاهری - موحدی

نظر اول: قرار صادره صحیح نمی‌باشد زیرا چنانچه برخی از وراثت متصرف باشند اقامه دعوی به طرفیت آنها اقامه خواهد شد و لزومی به اینکه ورثه‌ای که تصرفی در ملک ندارند در دادخواست نام آنها قید گردد.

دکتر عزت الله امانی شلمزاری:

نظر دوم: نظر فوق در صورتی موافق قواعد مسئولیت هست که خواهان مدعی تصرف توسط همه وراثت باشد و الا اگر احدی از وراثت متصرف باشد اقامه دعوی صحیح هست
نظر سوم: در دعوی مطالبه اجرت‌المثل دعوی بطرفیت متصرف یا استیفاء کننده یا متلف منافع اقامه می‌گردد و این قاعده در مورد مطالبه اجرت‌المثل ماترک نیز حاکم است و خصوصیتی در این دعوی وجود ندارد تا ورثه غیرمتصرف یا غیرمتلف طرف دعوی قرار بگیرند و دعوی نیز از شمول دعاوی بر میت مقرر در مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون امور حسبی خارج است و هر یک از ورثه نسبت به حصه مشاع خود از ماترک می‌تواند بطرفیت متصرف یا متلف (چه جزء ورثه باشد و چه جزء ورثه نباشد) اقامه دعوی نماید و عدم طرف دعوی قرار ندادن سایر ورثه تاثیری در قابل استماع نبودن دعوی ندارد.

در فرضی که تمام ورثه مشترکاً یا مستقلاً در تعدادی از ماترک متصرف باشند ذیحق می‌تواند حق خود نسبت به میزان مسئولیت هر یک از متصرفین مشترک مال یا اموال مستقل مطالبه نماید و متصرف نیز در حدود مسئولیتی که در استیلائی من غیر حق جمعی بر مال غیر متوجه او خواهد شد، مسئول است. این موضوع در مواد ۳۲۱، ۳۲۰ و ۳۲۲ قانون مدنی مورد توجه قرار گرفته است. پس به جهت قابل تجزیه بودن مسئولیت هر متصرف الزامی به طرف دعوی قرار گرفتن تمام متصرفین در مطالبه اجرت‌المثل به تبع اختیاری که ذیحق در ابراء یا عدم مطالبه از سایرین دارد، وجود ندارد.

عنوان: خواندگان دعوی ابطال سند رهنی

پیام: دعوی ابطال سند رهنی باید به طرفیت تمامی متعاملین طرح گردد، در غیر اینصورت

چنین دعوی قابل استماع نیست

شماره دادنامه قطعی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۶۰۰۱۱۲

تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۳/۰۲/۱۳

رئیس و مستشار شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران / فارسیجانی - اقتصادی

نظر دکتر عزت الله امانی شلمزاری:

قرار صادره صحیح می‌باشد چرا که در دعوی ابطال سند رهنی لزوماً می‌بایست تمام متعاقدین آن طرف دعوی قرار گیرند، چنانچه دعوی صرفاً به طرفیت برخی از آنها اقامه شده باشد، دعوی قابلیت استماع را نخواهد داشت.

نظر دکتر قیصری:

در دعوی ابطال اسناد رسمی طرفین عقد موضوع سند و کلیه اشخاصی که بعداً موضوع سند به آنها انتقال یافته است یا حقی برای آنها به موجب اسناد رسمی تنظیمی بعد از سند انتقال رسمی یا رهنی به تبع سند موضوع دعوی ایجاد شده، ذینفع در موضوع ابطال هستند و باید طرف دعوی قرار گیرند.

عنوان: خوانندگان در دعوی حجر

پیام: دعوی حجر باید به طرفیت دادستان و فرد محجور طرح شود البته با ترک نام دادستان و درج نام فرد محجور کماکان دعوی قابلیت پذیرش دارد اما در صورتی که فقط نام دادستان به عنوان خواننده درج شده باشد دعوی قابلیت پذیرش ندارد
شماره دادنامه قطعی: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۶۰۱۵۱۹
تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۳/۱۲/۱۴
رئیس و مستشار شعبه ۴۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران / حمیدی راد - عاشورخانی

نظر دکتر عزت الله امانی شلمزاری:

در دعوی به خواسته حجر می‌بایست دادستان و شخص محجور طرف دعوی قرار گیرد و این حق برای آن شخص متصور بوده که نسبت به ادعای مطروحه دفاع نماید از این رو چنانچه اشخاص مذکور طرف دعوی قرار نگیرد، دعوی قابلیت اجابت را نخواهد داشت.

نظر دکتر قیصری:

با توجه به مدلول مواد ۵۹ و ۶۶ قانون امور حسبی دعوی اثبات حجر باید بطرفیت محجور و دادستان اقامه شود.

عنوان: خواندگان دعوی اثبات نسب

پیام: دعوی اثبات نسب باید به طرفیت کلیه وراثت زنده متوفای منتسب الیه اقامه شود در غیر این صورت، قابل استماع نیست
 شماره دادنامه قطعی: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۱۰۱۹۹۵
 تاریخ دادنامه قطعی: ۲۹/۱۱/۱۳۹۲
 رئیس و مستشار شعبه ۱۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران / فرهد-علی محمدی

نظر دکتر عزت الله امانی شلمزاری:

در دعوی اثبات نسب نسبت به فرد متوفی لزوماً دعوی می‌بایست به طرفیت کلیه ورثه متوفی اقامه شود. چنانچه بدینگونه عمل نشده باشد دعوی قابلیت پذیرش را نخواهد داشت.
 نظر دکتر قیصری:

دعوی اثبات نسب باید بطرفیت کلیه وراثت اقامه شود و در صورت فوت تعدادی از آنها باید قائم مقام قهری وراثت فوت شده نیز طرف دعوی باشند. در غیر این صورت دعوی قابلیت استماع ندارد.

عنوان: خواندگان دعوی ابطال انتخابات مجمع امنای مجتمع مسکونی

پیام: دعوی ابطال انتخابات مجمع امنای برج مسکونی و هیأت مدیره مجتمع که از میان منتخبان هر برج مطابق اساسنامه برگزیده می‌شوند، مستلزم طرف دعوی قرار دادن کلیه دارندگان حق رأی است.
 شماره دادنامه قطعی: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۹۶۰
 تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۲/۰۹/۲۶
 رئیس و مستشار شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران / دوبری-قیصری

نظر دکتر قیصری:

با عنایت به مفاد ماده ۸ قانون تملک آپارتمانها و مواد ۶۵ و ۶۰ آئین‌نامه آن قانون دعوی ابطال تصمیمات مجامع عمومی مجامع‌های آپارتمانی باید به طرفیت کلیه اعضاء آن مجامع که شامل کلیه مالکین بخش‌های اختصاصی آپارتمانها می‌شود اقامه گردد.

عنوان: تأثیر فوت یکی از خواندگان در رسیدگی نسبت به بقیه

پیام: در صورت تعدد خواندگان و فوت یکی از آنها قبل از طرح دعوا، رسیدگی نسبت به بقیه ادامه پیدا می‌کند و صدور قرار عدم استماع دعوی نسبت به آنها فاقد وجاهت قانونی است.

شماره دادنامه قطعی: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۳۰۱۳۲۳

تاریخ دادنامه قطعی: ۲۶/۰۹/۱۳۹۲

رئیس و مستشار شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران / ذکایی-خشنودی

نظر دکتر قیصری:

اگر موضوع دعوی قابل تجزیه باشد تداوم رسیدگی در مورد سایر خواندگان بلامانع است و فقط در مورد متوفی به جهت عدم اهلیت قرار رد دعوی صادر می‌شود لیکن اگر موضوع خواسته قابل تجزیه نبوده و از قبیل دعوی بر میت به جهت ضرورت طرف دعوی قرار گرفتن وراثت متوفی با سایرین، دعوی قابلیت استماع نداشته و قرار عدم استماع دعوی صادر خواهد شد.

عنوان: خواندگان در دعوی تقسیم ترکه

پیام: اگر ترکه سرقفلی مغازه ای باشد، باید در دعوی تقسیم ترکه، مالک عین مستأجره نیز در عداد خواندگان قرار گیرد و الا قرار عدم استماع دعوی صادر می‌گردد.

شماره دادنامه قطعی: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۰۳۳۸

تاریخ دادنامه قطعی: ۱۶/۰۴/۱۳۹۲

رئیس شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران / دیوسالار-رضایی

نظر دکتر قیصری:

هر گاه در بین اموال موضوع دعوی تقسیم ترکه مالکیت بر منافع و حق کسب و پیشه یا سرقفلی وجود داشته باشد و حق انتقال به غیر از مستاجر (مورث) سلب شده باشد در صورت حاکمیت قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۵۶ بر رابطه استیجاری چنانچه امکان اختصاص حقوق استیجاری مذکور به یک یا چند تن از ورثه وجود نداشته و تقاضای فروش ماترک شده باشد، علاوه بر اینکه موجر باید طرف دعوی باشد باید خواسته تجویز انتقال

نظر دکتر قیصری:

هرگاه جهت ابطال سند اجرائی نقض مقررات راجع به اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء باشد مدعی مکلف است دعوی اثباتی متناسب با موضوع مذکور را که ابطال عملیات اجرائی است را نیز به همراه دعوی ابطال سند رسمی اجرائی اقامه نماید. بدیهی است استماع دعوی مذکور در دادگاه منوط به خاتمه یافتن عملیات اجرائی و فراغت رئیس واحد ثبتی از مسئولیت به رسیدگی به اعتراضات طرفین به عملیات اجرائی است. راجع به ابطال اسناد اجرائی ناشی از اجرای حکم محاکم با توجه به اختیارات دادگاه صادرکننده اجرائیه مقرر در مواد ۱۱ و ۳۹ ق.ا.م اساساً دعوی ابطال سند انتقال اجرائی در دادگاه قابلیت استماع ندارد.

شماره نظریه: ۲۰۳۸/۹۸/۷ تاریخ نظریه: ۲۸/۱۲/۱۳۹۸

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه:

اصولاً بر شکایت محکوم علیه از عملیات اجرایی از جمله برگزاری مزایده عنوان «دعوا» صدق نمی کند، لذا طرح دعوی ابطال عملیات اجرایی دادگاه از جمله ابطال مزایده فاقد وجهت قانونی است؛ و دادگاهی که این دعوی نزد آن مطرح می شود، مجوز قانونی برای صدور حکم به ابطال عملیات اجرایی ندارد و باید به استناد ماده ۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، آن را مردود اعلام کند.

شماره نظریه: ۲۷۴/۹۸/۷ تاریخ نظریه: ۰۵/۰۴/۱۳۹۸

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه:

طرح دعوی ابطال عملیات اجرایی دادگاه از جمله ابطال مزایده فاقد وجهت قانونی است؛ بنابراین دادگاهی که این دعوی نزد آن مطرح می شود، مجوز قانونی مبنی بر صدور حکم دائر بر ابطال عملیات اجرایی ندارد و باید به استناد ماده ۲ قانون آیین دادرسی در امور مدنی، آن را مردود اعلام نماید.

۱۵. عدم استماع دعوی ابطال چک

به تاریخ ۱۴۰۰/۸/۲۴ در وقت فوق العاده جلسه شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان سنندج بتصدی امضاء کننده ذیل تشکیل است. پرونده کلاسه فوق تحت نظر قرار

دارد. با توجه به جامع محتویات پرونده و اوراق محصله دادگاه ضمن اعلام ختم رسیدگی با استعانت از خداوند منان به شرح ذیل مبادرت به انشاء رای می نماید.

رای دادگاه

در مورد دعوای آقای به طرفیت آقایان به خواسته ابطال چک (ابطال یک فقره چک بانکی به شماره سریال ۶۴۰۷۹۶ از حساب ۰۳۰۳۲۵۸۲۴۳۰۰۳ عهده بانک ملی شعبه مرکزی سنندج بمبلغ تغییر یافته بعد به ۵۴۰۰۰۰۰۰ ریال بعلت مسروقه بودن آن) و گواهی نامه عدم پرداخت که با وصف بستن چک توسط بانک محال الیه اصدار یافته است خواهان در ایضاح خواسته بیان نموده متعاقب صدور گواهی نامه عدم پرداخت درباره یک فقره چک بانکی به شماره سریال ۶۴۰۷۹۶ از حساب ۰۳۰۳۲۵۸۲۴۳۰۰۳ عهده بانک ملی شعبه مرکزی سنندج بمبلغ تغییر یافته بعد به ۵۴۰۰۰۰۰۰ ریال از حساب اینجانب از بانک محال الیه و طرح دعوی حقوقی مطالبه وجه چک توسط خواننده ردیف اول و صدور اجراییه در مورخ نوزدهم تیرماه سال جاری در پرونده ۰۰۰۳۳۴ از شعبه دوم اجرای احکام شورای حل اختلاف سنندج؛ ماوقع حادث حاکی از مورد معامله قرار گرفتن چک بسرقت رفته از اینجانب توسط سارق چک آقای فرزاد اوسطی (خواننده ردیف دوم) به آقای جبار اکبری خودلان در ازای فروش گوشی تلفن همراه و مکتوم ماندن قضیه به مدت ۸ سال توسط مشارالیهما بوده که اینجانب به محض سرقت یک کیف حاوی اسناد و مدارک شخصی توسط فرزاد اوسطی کارگرموقت فروشگاه خویش و بلحاظ حفظ حرمت وی بلحاظ رابطه کاری از طرح شکواییه مبنی بر سرقت علیه مشارالیه خودداری و با اخذ برگ گارانتی خودروتحت تصرف وی و یک فقره چک بانکی از حساب شخص فرزاد اوسطی در حضور شهردوم مطلعین که بالغ بر سه نفر اعم از حاضرین در فروشگاه بودند وی را متعهد و ملزم به استرداد اسناد و مدارک بسرقت رفته کردم و بهمراه وی به بانک ملی شعبه مرکزی سنندج مراجعه و با اذعان بسرقت چک؛ چک را از حساب کسر نمودند که به یکباره ناپدید و حتی محل سکونت را از سنندج به قروه متقل کرد؛ که در پرونده مطروحه بخواسته مطالبه وجه چک؛ خواننده ردیف اول خود را دارنده با حسن نیت و یدما قبل را شخص فرزاد اوسطی همان سارق کیف حاوی مدارک معرفی که با سپردن برگ گارانتی خود رو و یک فقره چک بانکی

خود؛ ملتزم به استرداد اسناد موجود در کیف بنده شده و بنای بر اظهارات خواننده ردیف اول؛ حالیه فرزند اوسطی با اتهامات سرقت و جعل سند و کلاهبرداری در زندان قروه محبوس میباشد که متأسفانه از مرخصی زندان متواری و محکومیت قطعی به تحمل هفت سال حبس تعزیری دارد. لذا با تقدیم این دادخواست بطرفیت آقایان جبار اکبری خودلان و فرزند اوسطی بخواسته ابطال چک مسروقه صدرالاشاره که باعث اجرای مزایده درباره ملک محل سکونت بنده و اخذ مبلغ ۲۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال بعنوان وجه چک و خسارت تاخیر تادیه و هزینه مزایده از بنده بحساب سپرده دادگستری پس از مزایده در آتیه نزدیک است و در راستای اجراییه صادره گردیده نظریه مودای شهادت شهود و مطلعین و وجود سند گارانتی خود رو و چک بانکی خواننده ردیف دوم در الزام و تعهد به استرداد اموال و چک مسروقه ضمن درخواست استعلام از بانک عامل که چک را از سیستم خارج و با پیگیری غیر قانونی خواننده ردیف اول برگشت خورده است. به نظر این مرجع دعوی مطابق قانون مطرح نگردیده است زیرا در نظام حقوقی ایران ابطال ناظر به عقود و ایقاعات میباشد و ماهیت چک وسیله پرداخت بوده و ابطال در مورد آن صدق نمی نماید و قانون گذار در این خصوص در ماده ۱۴ قانون صدور چک و.. دعوایی مقتضی را پیش بینی نموده است بنابراین دعوی مطروحه مطابق قانون مطرح نگردیده و در شرایط کنونی قابلیت استماع ندارد و این مرجع مستنداً به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوی صادر و اعلام می نماید. رأی صادره ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در محاکم محترم تجدید نظر استان کردستان می باشد.

نظر دکتر عزت الله امانی شلمزاری:

قرار صادره با توجه به مبانی استدلالات به عمل آمده صحیح و منطبق با موازین قانونی است. زیرا که در مواردی که چک سرقت شده باشد و شخص سارق وجه آن را مطالبه کرده باشد، طرح دعوای ابطال چک صحیح نیست و خواننده یا صادر کننده چک در مقام دعوی می تواند این موضوع را اثبات نماید. موارد ابطال چک یا اسناد در وجه حامل توسط مقنن احصاء و ترتیب رسیدگی به آن را نیز مشخص کرده است.

نظر دکتر قیصری:

صدور چک دستور پرداخت است و چک پس از صدور یک سند عادی با برخی

تضمینات خاص و دلیل اشتغال ذمه صادرکننده است. در «مواجهه» با سند در مقام ترافع، کسی که سند علیه او ابراز شده است محق در طرح ادعا راجع به صحت سند و ایراد و ادعا در اصالت اسناد عادی و ادعا در مورد سند رسمی است.

چک نیز از این قاعده مستثنی نیست و با عنایت به اینکه صدور چک یک عمل حقوقی است و دخالت در امور مالی صادرکننده باید صادرکننده دارای اهلیت معاملی باشد و جهت صدور نیز در صورت تصریح به آن مشروع باشد. از جانب دیگر چک به عنوان یک سند عادی از ایراد و ادعا راجع به اصالت سند عادی مصون نیست. در نتیجه قبل از اینکه دارنده دعوی مطالبه وجه چک را اقامه کند یا راجع به آن اجرائیه صادر شده باشد صادرکننده چون چک به عنوان یک سند علیه وی مورد استناد قرار نگرفته است می تواند برای اثبات عدم حقانیت دارنده، دعوی استرداد لاشه چک را اقامه کند و با ابراز ادله کافی بقاء لاشه چک در ید خواننده را به جهت فقدان آثار قانونی به عنوان یک سند ذمه، در مورد چک موصوف بی وجه و استحقاق خود در استرداد لاشه جهت ارائه به بانک محال علیه برای مرتفع نمودن آثار چک پرداخت نشده را مطالبه نماید. بنابراین در این مرحله موجبی برای اقامه دعوی ابطال به خاطر اینکه چک بعنوان یک سند علیه وی ابراز نشده نیست.

هرگاه دارنده دعوی مطالبه وجه چک را اقامه کند صادرکننده بدون نیاز به اقامه دعوی ابطال می تواند به اصالت و صحت سند ایراد و ادعا مطرح نماید و دادگاه نیز مطابق مقررات قانون آئین دادرسی مدنی مکلف به رسیدگی به ادعای و ایرادات می باشد و در ثورت اثبات ادعا یا احراز وارد بودن ایراد دادگاه حکم به بی حقی دارنده صادر خواهد کرد. پس در این فرض هم دعوی ابطال قابل استماع نیست.

عنوان: دعوی ابطال سند تجاری (چک)

پیام: دعوی ابطال سند تجاری (چک)، باید به طرفیت دارنده چک اقامه شده و هزینه دادرسی باید بر اساس رقم مندرج در چک پرداخت شود.

شماره دادنامه قطعی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۶۰۱۱۸۵

تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۳/۰۹/۲۳

رئیس و مستشار شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران / موسوی-شفیعی

نظر اول: قرار صادره صحیح نمی‌باشد. زیرا که مقنن موارد ابطال اسناد تجاری و ترتیب رسیدگی به آن را مشخص کرده است. دعوی به نحو اقامه شده صحیح نبوده و استدلال دادگاه تجدید نظر هم در این خصوص مخدوش می‌باشد.

دکتر عزت الله امانی شلمزاری

نظر دوم: ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی به خواهان اجازه داده است که در دعاوی مالی خواسته خود را مقوم نماید مگر اینکه دعوی راجع به اموال غیر منقول و یا راجع به وجه نقد باشد که در این صورت بهای خواسته در دعاوی مالی اموال غیر منقول بر اساس قیمت منطقه‌ای و در وجه نقد مبلغ مورد مطالبه بوده و مبنای محاسبه تمبر هزینه دادرسی قرار می‌گیرد. لذا دستور دادگاه مبنی بر الزام خواهان به تقویم خواسته ابطال چک و یا سایر دعاوی مالی به میزان مبلغ مندرج در سند تجاری خلاف صریح ماده ۶۲ قانون فوق الذکر است و نمی‌توان خواهان را ملزم به آن کرد که بهای خواسته خود را به میزان چک مقوم نموده و هزینه دادرسی بر این مبنای اخذ شود ضمن آنکه در مقام تردید به پرداخت یا عدم پرداخت هزینه دادرسی اصل برائت مفید این است که خواهان الزامی به پرداخت هزینه دادرسی ندارد.

نظر سوم: به شرح فوق مراجعه شود

عنوان: دعاوی استرداد چک با وجود صدور اجرائیه ثبتی

پیام: در صورتی که نسبت به چک اجرائیه ثبتی صادر شده باشد تا زمانی که اجرائیه مذکور ابطال نشده باشد دعاوی استرداد چک مذکور قابلیت استماع نخواهد داشت.

شماره دادنامه قطعی: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۸۰۰۸۵۵

تاریخ دادنامه قطعی: ۲۷/۰۶/۱۳۹۲

رئیس و مستشار شعبه ۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران / صفیری-امیری

نظر دکتر عزت الله امانی شلمزاری:

قرار صادره به نظر صحیح می‌باشد. زیرا چک از زمره اسناد لازم الجرا بوده و دارنده می‌تواند با مراجعه به اداره ثبت نسبت به آن درخواست اجرائیه نماید و دارنده چک می‌تواند ابطال دستور اجرا را در صورتی که دستور اجرا را مخالف قانون بداند در اجرای مواد ۱ و ۲

قانون اصلاح برخی از مواد قانون ثبت مصوب ۱۳۲۲ خواستار شود و طرف دعوی به خواسته استرداد چک قابل پذیرش را ندارد.

نظر دکتر قیصری:

در صورتیکه دستور اجرای چک به عنوان سند لازم الاجرا صادر شده باشد، تا زمانی که دستور اجراء نیز مورد شکایت قرار نگیرد و دادگاه با احراز عدم استحقاق دارند یا فقدان شرایط صدور دستور اجراء، به ابطال آن دستور انشاء حکم نکند بر حکم به استرداد لاشه چک اثری بار نخواهد شد.

۱۶. عدم استماع ابطال سند مقدمه بطلان معامله

به تاریخ ۱۴۰۰/۵/۳ در وقت فوق العاده جلسه شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان سنندج بتصدی امضاء کننده ذیل تشکیل است. پرونده کلاسه فوق تحت نظر قرار دارد. با توجه به جامع محتویات پرونده و اوراق محصله دادگاه ضمن اعلام ختم رسیدگی با استعانت از خداوند منان به شرح ذیل مبادرت به انشاء رای می نماید.

رای دادگاه

در مورد دعوای خانم با وکالت خانم به طرفیت آقای با وکالت آقای به خواسته ۱- ابطال سند شماره ۲۸۷۳۳۴ در مورد زمین مزروعی به شماره ۲۴۸ فرعی از ۷ اصلی بخش ۱۰ حوزه ثبت ملک سنندج واقع در روستای ۲- ابطال سند شماره ۰۶۳۷۰۸ در مورد زمین مزروعی به شماره ۲۴۲ فرعی از ۷ اصلی بخش ۱۰ حوزه ثبت ملک سنندج واقع در روستای ۳- ابطال سند شماره ۲۶۹۱۴۸ در مورد زمین مزروعی به شماره ۲۴۱ فرعی از ۷ اصلی بخش ۱۰ حوزه ثبت ملک سنندج واقع در روستای ۴- اعلام بطلان و کالتنامه به شماره ۹۴۵۷ مورخ ۸۶/۹/۱۵ دفتر اسناد رسمی شماره ۲۳ سنندج مقوم به ۲۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال و مطالبه خسارت دادرسی و کیل خواهان در ایضاح خواسته بیان نموده موکل همراه با برادر خود (خوانده) و وراث دیگری مالک مشاعی چند قطعه زمین در روستای چناره بوده است. خوانده درخواستی مبنی بر لزوم اعطای وکالت به او جهت اخذ تسهیلات برای حفر چاه در اراضی مذکور، خطاب به وراث مطرح و موکل نیز اقدام به اعطای وکالت طی سند شماره ۹۴۵۷ مورخ ۸۶/۰۹/۱۵ دفتر اسناد رسمی شماره

۲۳ سندج نمود. و کالتنامه مزبور مطلق و از جمله متضمن حق انتقال، فروش و واگذاری بوده و موکل به دلیل بی سواد بودن از مفاد آن مطلع نشده است. در این ارتباط نیز آقای طاهر مولایی به عنوان معرف در زمان ثبت و کالتنامه، اذعان دارد که مفاد و کالتنامه را برای موکل قرائت ننموده و حتی در زمان اخذ اثر انگشت از موکل هم حضور نداشته و دو روز پیشتر، و کالتنامه را به عنوان معرف امضا نموده است و در این ارتباط نیز حاضر به گواهی است. لذا، موکل اساساً از مفاد و موضوع و کالتنامه مزبور اطلاع نداشته و در واقع موضوع دیگری را که اعطای و کالت برای انجام امور مربوط به حفر چاه بوده، اراده کرده و خواننده هم موضوع دیگری را مدنظر داشته است. لذا با عنایت به بند ۳ ماده ۱۹۰ و مواد ۱۹۴ و ۲۱۶ قانون مدنی و اصل لزوم وجود علم تفصیلی برای طرفین در عقود، شرایط انعقاد و کالت در موضوع حاضر موجود نمی‌باشد. مضاف بر عدم انعقاد و کالت میان خواهان و خواننده بنا به مراتب مارالذکر، وفق قوانین و مقررات ثبت اسناد نیز و کالتنامه فاقد اعتبار است. زیرا طبق مواد ۶۶ و ۶۷ قانون ثبت، معرف باید در زمان امضا یا اثر انگشت حاضر بوده و اقدام به قرائت مفاد سند برای معامله کننده بی سواد نماید. حال آنکه بنابر اظهارات آقای طاهر مولایی، ایشان در هنگام ثبت اثر انگشت خواهان حضور نداشته و بالتبع، مفاد سند را نیز قرائت ننموده است. ضمن اینکه طبق مفهوم مخالف ماده ۷۲ قانون ثبت، مفاد و کالتنامه مزبور لازم‌الاجرا نمی‌باشد. با عنایت به عدم رعایت مقررات ناظر به ثبت اسناد در خصوص و کالتنامه مزبور، این سند مخدوش بوده و تقاضای اعلام بطلان آن می‌رود. افزون بر موارد فوق در صورتی که به فرض محال و کالتنامه صحیح تلقی شود، باید در نفوذ معاملات متعاقب آن شک نمود. چرا که طبق ماده ۶۶۷ قانون مدنی: «وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را رعایت نماید و از آنچه که موکل بالصرح به او اختیار داده یا بر حسب قرائن و عرف و عادت داخل اختیار اوست، تجاوز نکند». در همین ارتباط، نظریه مشورتی شماره ۷/۲۰۴۷ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۲ مؤید لزوم رعایت مصلحت موکل از سوی وکیل بوده و عدم رعایت این امر، موجب عدم نفوذ معاملات مبتنی بر آن خواهد بود. مطلق بودن و کالت نیز نافی تکلیف وکیل به رعایت مصلحت موکل نیست. مواد ۱۰۷۳ و ۱۰۷۴ قانون مدنی و رأی شماره ۹۰۸ مورخ ۱۳۶۳/۰۳/۲۹ شعبه ۹ دیوان عالی کشور نیز مؤید این موضوع هستند. مصلحت و غبطه نیز مفهوم عامی داشته و صرفاً واجد جنبه مالی نیست و اعم از تحصیل منفعت توسط وکیل است و در دعوای حاضر به طریق اولی، انتفاع و البته

تجاوز خواننده از حدود عرف و عادت مسلم است. چراکه مشارالیه بدون پرداخت هیچ مبلغی، اقدام به انتقال اموال به خود نموده است که در این زمینه، ارجاع امر به کارشناس مورد استدعا است. لذا با توجه به موارد فوق و تأکید بر فضولی بودن معاملات مبتنی بر وکالتنامه مزبور، تقاضای ابطال اسناد مالکیت به شماره های ۲۶۹۱۴۸، ۰۶۳۷۰۸ و ۲۸۷۳۳۴ می شود. علاوه بر موارد فوق، طبق ماده ۶۶۸ قانون مدنی «وکیل باید حساب مدت وکالت خود را به موکل بدهد...». لذا حتی به فرض رعایت مصحلت موکل، خواننده هیچ اطلاعاتی نسبت به اقدامات خویش در حدود وکالت به خواهان ارائه نداده و خواهان در جریان دعوی تقسیم ترکه‌ای که اقامه کرده بود، از انتقال سهم الارث خود مطلع شده، بدون اینکه هیچ وجهی در این رابطه دریافت نماید. علیهذا از آن مقام محترم، تقاضای محکومیت خواننده به شرح خواسته و سایر خسارات دادرسی از جمله هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل می شود. لازم به ذکر است که اصل مدارک در ید خواننده می باشد و وکیل خواننده در جلسه رسیدگی حضور یافته و بیان نمود به سبب مبیعه نامه‌های ارائه شده اراضی را خریداری نموده است به نظر این مرجع دعوی مطابق قانون مطرح نگردیده است چراکه دعوی ابطال سند رسمی سه قالب دارد: ۱- ابطال اسناد رسمی به واسطه عدم رعایت یکی از مقررات قانون ثبت ۲- ابطال سند رسمی به جهت عدم اعتبار رابطه قراردادی مبنا ۳- ابطال سند رسمی به جهت عدم رعایت مقررات شکلی که در پرونده ما نحن فیه خواسته خواهان جزو مورد دوم ((عدم اعتبار رابطه قراردادی مبنا)) بوده و خواهان به مبیعه نامه‌های ارائه شده توسط خواننده ایراد نموده است و خواسته خواهان مبیاست بدین نحو مطرح می گردید الف: بطلان معامله بین فروشنده و خریدار ب- ابطال سند رسمی منتقل الیه نتیجتاً مقدمه ابطال سند رسمی، اعلام بطلان معامله است که در ستون خواسته چنین مطلبی رعایت نگردیده است و با توجه به اینکه اولاً: مقدمه بر دو قسم مقدمه وجوب و مقدمه واجب تقسیم می شود الف: مقدمه وجوب مقدمه ای است که وجوب ذی المقدمه متوقف به آن است و به قول مشهور مقدمه ای است که شرط وجوب ذی المقدمه است. ب: مقدمه واجب مقدمه ای است که انجام ذی المقدمه متوقف بر وجود مقدمه است و محل بحث ما در پرونده ما نحن فیه از نوع قسم دوم مقدمه واجب می باشد نه مقدمه وجوب و دلیل آن هم این است که مقدمه وجود « بطلان معامله » تا نیاید ذوالمقدمه (ابطال سند) وجود پیدا نمی کند در نتیجه لازمه رسیدگی به ابطال سند منوط به دعوی بطلان معامله می باشد که در پرونده ما نحن فیه فعلاً محقق

نشده است و خواسته مذکور جزو خواسته‌های اصلی بوده نه آلی و اصل بر استقلال دعاوی می‌باشد بنابراین دعوی مطروحه در این خصوص مطابق قانون مطرح نگردیده و در شرایط کنونی قابلیت استماع ندارد و این مرجع مستنداً به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوی صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظرخواهی در محاکم محترم تجدید نظر استان کردستان می‌باشد.

نظر دکتر عزت الله امانی شلمزاری:

قرار صادره موافق با موازین قانونی نمی‌باشد، زیرا که با تنظیم سند رسمی در تعقیب سند عادی دیگر پرداختن به مباحثه نامه یا همان سند عادی که موضوع سند رسمی می‌باشد موجبی نداشته و نیازی به طرح دعوی بطلان قرارداد عادی نمی‌باشد و صدور قرار عدم استماع مخدوش بوده و دادگاه به حکم مقرر در مواد ۲ و ۳ قانون آیین دادرسی مدنی مکلف به رسیدگی به دعوی اقامه شده و صدور حکم مقتضی بوده است.

نظر دکتر قیصری:

در فرض مندرج در دادنامه اساس دعوی بر فقدان معامله‌ای بین فروشنده و خریدار و خروج وکیل از حدود اذن استوار است بنابراین معامله ای غیر از آنچه به موجب سند رسمی تنظیم شده بین طرفین متصور نیست و دعوی ابطال سند رسمی معامله نیز منصرف از ابطال معامله موضوع سند نیست و منعی در استماع دعوی وجود نداشته است.

عنوان: درخواست ابطال سند رسمی مؤخر بر بیع عادی

شماره دادنامه قطعی: ۹۲۰۹۹۸۲۱۶۰۱۰۰۷۲۳

تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۴/۰۳/۲۰

پیام: در دعوای ابطال سند رسمی مؤخر بر بیع با سند عادی، ابتدا باید اساس عقد بیع اولیه ثابت شود و متعاقب آن درخواست ابطال عقد بیع ثانوی و اسناد معاملات صورت گیرد؛ بنابراین درخواست مستقیم ابطال اسناد با فرض بقای عقود قبلی به اعتبار خویش مسموع نیست.

رئیس و مستشار شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران/هدایت اله جوادی-بهزاد سعادت‌زاده

نظر دکتر عزت الله امانی شلمزاری:

قرار صادره در جایگاه قانونی خود صادر نشده است چرا که سند رسمی در تعقیب

احراز رابطه قراردادی طرفین سند رسمی تنظیم شده و با طرح دعوی ابطال سند رسمی دیگر پرداختن به قراردادهای عادی که مبنای تنظیم سند رسمی بوده اند محمل قانونی نداشته و موجبی برای صدور قرار عدم استماع نمی‌باشد.

نظر دکتر قیصری:

مطابق مدلول مواد ۴۷، ۴۶ و ۴۸ قانون ثبت اقدام طرفین در مراجعه به دفتر اسناد رسمی انجام معامله در دفتر اسناد رسمی نیست. بلکه ثبت سند است. یعنی اینکه قبل از مراجعه به دفتر اسناد رسمی، سندی که ممکن است مربوط به ایجاب و قبول راجع به یک بیع باشد، وجود دارد و طرفین آن سند را در دفتر ویژه‌ای که قانون به رسمیت شناخته است، به وسیله سردفتر ثبت می‌نمایند و به همین اعتبار هم وقتی سند در دفتر اسناد رسمی نوشته شد، طرفین در ذیل سند مطابقت ثبت با سند را گواهی و امضاء می‌کنند نه اینکه با امضاء ایجاب و قبول را جاری ساخته باشند. ضمناً سند رسمی آن نوشته‌ای است که داخل دفتر ثبت اسناد نوشته شده و اوراقی که در فرم مخصوص و نسخ متعدد به طرفین تحویل می‌شود (بنچاق) رونوشت سند رسمی است. بنابراین جز در مورد عقد و کالت که موکل با حضور در دفتر اسناد رسمی اختیار و اذن انجام یک عمل را اعطاء و با انضاء ایجاب خود را اعلام می‌کند سایر اسناد رسمی که در دفترخانه تنظیم می‌شود اثر تأسیسی ندارد.

با تفصیل بالا در دعوی ابطال سند رسمی اگر ادعا فقط برای بی‌اعتباری ثبت سند به جهت جعلیت یا فقدان شرایط صحت اعلام‌کننده مطابقت ثبت با سند اقامه نشده باشد و به منظور ابطال معامله موضوع سند طرح شده باشد باید ابطال معامله که در سند عادی مقدم تحقق یافته و سند رسمی تنها نمایانگر ثبت سند معامله مقدم است نیز خواسته شود در غیراینصورت دعوی ابطال سند رسمی به تنهایی مسموع نیست.

۱۷. عدم استماع ابطال سند مقدمه ابطال عملیات ثبتی

گردشکار: خانم آقایان با وکالت آقای دادخواستی به خواسته
 ۱- ابطال سند رسمی (ابطال سند مالکیت)- ۲- اثبات مالکیت ۳- مطالبه خسارت
 دادرسی به طرفیت خوانده آقای مطرح نموده وکیل خواهان‌ها در ایضاح خواسته
 بیان نموده با وکالت از موکلین خانم و آقایان و (شخص اخیر با
 وکالت خانم برابر سند و کالتنامه تقدیمی (پیوست شماره ۱ و ۲) به استحضار عالی